

اجلاس داووس محملي برای جهانی شدن و راهکارهای جهانی شدن اقتصاد ایران

افشین جنانی* و منیژه ضیائی فر**

در اجلاس داووس سالیانه صدها نفر از مدیران صنعتی، تجاری، خدماتی، تولیدی، مقامات سیاسی کشورها، استادان دانشگاهها، متخصصان و حتی نویسندگان کتابهای ادبی به مدت پنج روز گرد هم می‌آیند و در بیش از ۲۰۰ میزگرد تخصصی مسائل اقتصادی و حتی سیاسی جهان را بررسی می‌کنند. تعداد قابل توجهی از استادان مشهور دنیا در این اجلاس حضور دارند که در مسائل مهم اقتصادی جهان به‌ویژه سرمایه‌گذاری، نظام بین‌المللی تجارت، توسعه اقتصادی، همکاریهای تجاری و اقتصادی منطقه‌ای، فقر و مدیریت بحث و تبادل نظر می‌کنند. در چنین فضایی کشورهای در حال توسعه این امکان را می‌یابند که محیط خود را بهتر بشناسند و در جذب سرمایه و فن‌آوری جهانی تعامل لازم را برقرار کنند.

واژه‌های کلیدی: اجلاس داووس، جهانی شدن، راهکارهای جهانی‌سازی.

۱. مقدمه

دهکده داووس^۱ در کشور سوئیس، مرکز اصلی گفتگو پیرامون پدیده "جهانی شدن" است. اجلاس اصلی جهانی‌سازی هر سال در اواخر ژانویه و اوایل فوریه در این دهکده برگزار می‌شود و از سوی رهبران عالی‌رتبه اقتصادی، سیاسی و برجسته‌ترین متخصصان علوم انسانی و تجربی جهان سرمایه‌داری، رهنمودهای اصلی و اساسی جهانی‌سازی تعیین و ارائه می‌شود.

در پنج سال اخیر کشورهای در حال توسعه از اجلاس داووس بیشتر استقبال کرده‌اند زیرا پس از فروپاشی شوروی، کشورها متوجه شدند که جهان حاضر به هم تنیده است و همه کشورها بر هم تأثیر می‌گذارند و از طریق تعامل با یکدیگر به رشد اقتصادی دست می‌یابند. بنابراین در این اجلاس کشورهای در حال توسعه به دلیل نیازهای اقتصادی نقش فعال‌تری را ایفا می‌کنند. آنها در پی دنبال کردن روندهای سرمایه‌گذاری هستند و می‌خواهند زمینه‌ها و معضلات سرمایه‌گذاری را شناسایی

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی - معاونت امور اقتصادی

* کارشناس بررسی قوانین و مقررات مالی - معاونت امور اقتصادی

کرده و از جریانهای سیاسی تأثیرگذار در تحولات اقتصادی آگاهی پیدا کنند. در آخرین اجلاس، کشورهای نظیر هند، برزیل و مالزی بسیار فعال بودند. در این زمینه حضور هندی‌ها به‌عنوان کشوری که پیشرفتهای بسیاری در صنعت الکترونیک داشته‌اند، هم از نظر حضور رهبران و هم صاحبان شرکتهای صنعتی بسیار چشمگیر بود. کشورهای غربی بیشترین حضور را در این اجلاس داشته‌اند.

در محافل سیاسی و فکری بین‌المللی واژه‌ای به نام "Networking" مصطلح است. معنی این واژه این است که افراد و سازمانهایی که در یک حوزه اقتصادی کار می‌کنند باید با یکدیگر هماهنگ و از فعالیتهای یکدیگر مطلع باشند. برای مثال اگر تمام صنعتگران ایران هر سال با هم اجلاسی داشته و از برنامه‌ها، روشها و سیاستهای یکدیگر آگاهی داشته باشند، در یک شبکه کاری قرار گرفته‌اند. این کار در زبان فارسی می‌تواند با عنوان ایجاد شبکه‌ای برای هماهنگی‌های فکری و برنامه‌ای باشد. مجمع جهانی اقتصاد نیز با چنین دیدگاهی در سال ۱۹۷۱ شکل گرفت یعنی رؤسا و صاحبان شرکتهای بزرگ صنعتی، خدماتی، تجاری و علمی در کنار یکدیگر جمع می‌شوند تا نسبت به برنامه‌ها و سیاستهای آینده خود با یکدیگر تبادل نظر کنند و بین خود نوعی همکاری و هماهنگی به وجود بیاورند.

در اجلاس داووس نمایندگان یا مدیران ارشد بیش از ۹۰ درصد از ۸۰۰ شرکت بزرگ حضور داشتند. به عنوان مثال رئیس شرکت بوئینگ، بیل گیتس رئیس شرکت مایکروسافت، شرکت آی.تی.تی، دویچ^۱ بانک آلمان و مدیران کارخانه‌های بزرگ خودروسازی ژاپن حضور داشتند. حضور شرکتهای بزرگ در این اجلاس نشان می‌دهد که این اجلاس همچنان برای کشورهای غربی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

اجلاس داووس فرصت خوبی برای کشورهای در حال توسعه است که با حضوری فعال سعی در شناساندن امکانات و توانایی‌های خود به حاضران داشته و با تلاش در راستای رایزنی برای جذب سرمایه و فن‌آوری شاهد حضور شرکتهای بزرگ صنعتی در کشور خود باشند. بنابراین باید با برنامه‌ریزی و اهداف مشخص وارد این اجلاس شوند.

۲. سوابق تاریخی جهانی شدن

جهانی شدن یک پدیده تاریخی جدید نیست. در مورد تاریخچه جهانی شدن می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد. امپراتوری روم در ۱۴۶ ق.م. یونان را تسخیر کرد و به همین دلیل می‌توان گسترش جوانب مختلف فرهنگی یونان به خارج از مرزها را در زمینه‌های مختلف فلسفه، مذهب، هنر و مانند

1. Deutch Bank

۲۵ اجلاس داووس محملی برای جهانی شدن ...

آن را مشاهده کرد. نمونه اولیه جهانی شدن مربوط به قرون وسطی از طریق آشنایی با دانش یونان باستان و علوم مسلمانان، به واسطه مسلمانان آندلس بود.

جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و توسعه تجدد و سرمایه‌داری جهانی است و به مجموعه فرآیندهای پیچیده‌ای که به موجب آن دولتهای ملی، به نحو مطلوب و فزاینده‌ای، به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند، اطلاق می‌شود. معمولاً فرایند جهانی شدن در چهار بُعد مختلف فنی و فن‌آوری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در حوزه فنی و فن‌آوری، بحث پیرامون انقلاب صنعتی سوم در پایان قرن بیستم و تحولات اساسی در حوزه‌های مختلف ارتباطات، مصرف و اطلاعات حاصل از این فرایند است.

در حوزه اقتصاد به علت ایجاد تحولات اساسی یاد شده، تغییرات بی‌سابقه و چشمگیری رخ داده است. از آثار مهم جهانی شدن در این حوزه، افزایش چشمگیر قدرت شرکتهای چندملیتی یا فراملیتی، افزایش بودجه این گونه شرکتهای که به مراتب بیشتر از بودجه بسیاری از دولتهاست، تقسیم کار بین‌المللی به دلیل وجود امکانات و منابع مالی و فن‌آوری پیشرفته و تبدیل جهان به بازار عملکرد آنهاست.

در حوزه سیاسی، ایجاد تحولات چشمگیر در حوزه قدرت و حاکمیت دولتهای ملی و ماهیت نظام بین‌الملل، به علت ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی مورد بحث است. از مهم‌ترین بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی که دارای قدرت تصمیم‌گیری مستقلی در سطح جهانی هستند می‌توان به سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی اشاره کرد. در سطح فرهنگی، مواردی نظیر ظهور جامعه مدنی جهانی، جنبشهای فرهنگی و اجتماعی بین‌الملل که جزئی از این جامعه هستند و مسائل و موضوعاتی که فراتر از حدود توانایی و دید دولتهای ملی هستند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۳. نظریات موافقان و مخالفان جهانی شدن

۳-۱. مهم‌ترین بحث موافقان جهانی شدن

سرعت تغییرات اقتصادی چنان زیاد است که موجب ایجاد یک سیاست جدید جهانی شده است. دولتها در شرایط فعلی، واحدهای بسته‌ای نیستند و نمی‌توانند اقتصاد خود را کنترل کنند. ارتباطات، نوع برخورد ما با جهان را به طور اساسی دچار تحول کرده است. در حال حاضر ما در جهانی زندگی می‌کنیم که حوادث در یک بخش از جهان و به سرعت در آن سوی جهان قابل مشاهده است.

امروزه بیش از هر زمان دیگر، یک فرهنگ جهانی وجود دارد به گونه‌ای که اغلب مناطق شهری در جهان شبیه به یکدیگرند. جهان دارای فرهنگ مشترکی است که بخش وسیعی از آن از

هالیوود نشئت گرفته است. جهان روز به روز از تجانس بیشتری برخوردار می‌شود و اختلافات بین افراد در حال از بین رفتن است.

امروزه شاهد فروپاشی زمان و مکان هستیم. عقاید قدیمی ما در مورد مکان جغرافیایی و زمان تاریخی با سرعت ارتباطات و رسانه‌ها از بین می‌رود. یک جامعه مدنی جهانی با جنبشهای اجتماعی و سیاسی فراملی در حال ظهور است و وفاداری از دولتها به نهادهای دولتی، نهادهای فراملی و نهادهای بین‌المللی، منتقل می‌شود. فرهنگ جهان وطنی، در حال گسترش است، انسانها جهانی می‌اندیشند و محلی عمل می‌کنند.

۲-۳. بحث مخالفان پدیده جهانی شدن

واژه جهانی شدن، یک واژه نامشخص برای اشاره به آخرین مرحله سرمایه‌داری است که به اعتقاد این گروه، وضع جاری را بسیار منحصر به فردتر از آنچه واقعاً هست ارزیابی می‌کند، در حالی که این وضع ممکن است برگشت پذیر باشد. جهانی شدن دارای آثار ناموزونی است یعنی تعداد کمی از جمعیت جهان می‌توانند به شبکه‌های جهانی دسترسی داشته باشند، در حالی که بیشتر افراد از این امکان برخوردار نیستند. جهانی شدن ممکن است آخرین امپریالیسم غربی باشد. تعداد قابل توجهی بازنده در فرایند جهانی شدن وجود دارد. بنابراین جهانی شدن نه تنها حالت امپریالیستی بلکه حالت استثمار دارد.

همه نیروهای دخیل در امر جهانی شدن لزوماً نیروهای خوبی نیستند. جهانی شدن، اقدامات کارتلهای، باندهای مواد مخدر، تروریست‌های بین‌المللی و سندیکا‌های تبهکاری را تسهیل می‌کند. تضادی در بطن نظریه جهانی شدن وجود دارد، آیا همه کشورها می‌توانند به نوسازی خود، بدون پذیرش ارزشهای غربی ادامه دهند یا خیر؟ اگر کشورها راه خود را به سوی نوسازی اقتصادی و اجتماعی باز کنند، شاهد اختلافات بسیاری بین ارزشهای غربی و آسیایی بر سر مسائلی چون حقوق بشر، جنسیت و مذهب خواهیم بود.

۴. لزوم جهانی شدن

در سال ۲۰۰۰ آنتونیو نگری^۱ و مایکل هارت^۲ با همکاری هم کتابی به نام "امپراتوری" نوشته‌اند. به گمان این دو استعاره امپراتوری به گونه‌ای نظم جهانی دنیای امروز را بازگو می‌کند. در این امپراتوری آمریکا حکم پادشاه و شرکتهای چندملیتی و سازمانهای بین‌المللی و دیگر کشورهای قدرتمند غرب در جایگاه طبقه اشراف قرار دارند. این پادشاه که مدتها از سر غرور و زیاده‌خواهی در دنیا یک‌تازی کرده، حالا چند صباحی است که دولتش رو به افول نهاده و رعایا تاب این همه

1. Antonio Negry

2. Michle Hart

اجلاس داووس محملی برای جهانی شدن ... ۲۷

بیداد را ندارند. حال این پادشاه با مشکل مهمی مواجه و محتاج دیگران شده است. هر روز بیش از پیش آشکار می‌شود که آرایش جهانی یکسویه یا سلطنتی که بر اساس تحمیل نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا استوار است، موضوعی نامطلوب و غیرقابل تحمل است.

بحران گریبانگیر این نوع آرایش فرصتی است تا طبقه اشراف جهانی، نظم جهانی جدیدی را ارائه کنند. منظور از طبقه اشراف جهانی همان شرکت‌های چندملیتی، نهادهای فراملی و دیگر دولت‌ملتهای مسلط هستند. نخستین چالش پیش‌روی این طبقه، شناسایی نظام جهانی برای تجدید و گسترش نیروهای مولدی است که امروز به خاطر فقر و رانده شدن به حاشیه بی‌اثر شده‌اند. برای این منظور به یک توافق جدید نیاز است، چیزی که اشرافیت کنونی با توجه به جایگاه فعلی‌اش، می‌تواند آن را از پادشاه طلب کند، به نظر می‌رسد امروز حضور امپریالیسم دیگر امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر هیچ دولت یا ملتی حتی آمریکا نمی‌تواند به عنوان قدرت حاکم، بر نظام جهانی فرمانروایی کند. از این‌رو نظم معاصر جهانی مانند گذشته به خاطر رقابت میان قدرتهای امپریالیستی تعریف نمی‌شود. شکل جدیدی از حاکمیت در حال ظهور است، یک حاکمیت جهانی که ما آن را امپراتوری می‌نامیم.

آمریکا نمی‌تواند مثل پادشاه جهان خودسرانه عمل کند و با تحمیل شرایط جهانی از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی یا مالی یکه‌تازی کند. از این‌رو ناچار است با دولت‌ملتهای مسلط دیگر، شرکت‌های چندملیتی و نهادهای فراملی که در مجموع اشرافیت جهانی را تشکیل می‌دهند، تعاون و همکاری کند. به عبارت دیگر آمریکا نمی‌تواند حاکمیت امپراتورگونه را تحمیل کند (چه به وسیله پنتاگون و چه صندوق بین‌المللی پول) بلکه این حاکمیت ناگزیر باید حاصل همکاری میان قدرتهای گوناگون مسلط باشد. جنبش‌هایی را می‌توان مشخص کرد که در مسیر ایجاد یک چنین منشوری قدم بر می‌دارند، برای مثال خواسته‌های گروه ۲۲ در اجلاس سازمان تجارت جهانی (WTO) در کنکون مبنی بر اتخاذ سیاستهای منصفانه‌تر از تجارت محصولات کشاورزی، گامی در راستای اصلاح نظام جهانی است.

سپردن رهبری به دولتهای جهانی جنوب به این روش، راهی است برای آنکه اشراف بتوانند طرح خود را به سوی تجدید نیروها و انرژیهای مولد در نظام اقتصاد جهانی سوق دهند. دومین منبع برای این جهت‌دهی افرادی هستند که به حالت فعلی جنگ و شکل کنونی جهانی‌سازی اعتراض می‌کنند. این اعتراض‌کنندگان در خیابانها، در محکمه‌های اجتماعی و سازمان غیردولتی نه تنها نارضایتی خود را در برابر شکست‌های نظام فعلی اعلام می‌کنند بلکه پیشنهادهای اصلاحی بیشماری در مورد آرایشهای نهادین و سیاستهای اقتصادی اعلام می‌کنند.

۵. چالشهای جهانی شدن در ایران

بررسی ترکیب طرفهای تجاری کشور ما نشان می‌دهد که بخش بزرگی از تجارت خارجی کشور با کشورهای آسیای جنوب شرقی، ژاپن و کشورهای توسعه یافته و صنعتی اروپایی است. این ارتباطات هم در زمینه صادرات و هم واردات بسیار مشهود و برای ایران مهم است، زیرا وابستگی اقتصادی ملی به درآمدهای نفتی، لزوم برقراری ارتباطات بازرگانی با این کشورها را حیاتی تر کرده است. همچنین در مورد صادرات غیرنفتی کشور نظیر فرش، صنایع دستی، فرآورده‌های شیلات، پسته، ادویه‌ها، زعفران، پوست و چرم نیز بازارهای اصلی ایران در این کشورها قرار دارد. با وجود این به دلیل روابط دیپلماتیک ضعیف کشور، تجارت و ارتباطات با کشورهای یاد شده در اغلب موارد به صورت غیرمستقیم برقرار بوده و در این میان کشور ما منافع زیادی را از دست می‌دهد.

منطقه خاورمیانه و کشورهای همسایه ایران از نظر موقعیتهای سیاسی و اقتصادی دارای شرایط چندان مطلوب و ایده آلی نیستند. این عامل ضرورت پیوند و ارتباطات با کشورهای دورتر را توان بالای بالقوه و بالفعل بازرگانی را توجیه می‌کند.

بنابراین گرایش کشور برای پیوستن به فرایند جهانی شدن و آزادسازی تدریجی تجارت خارجی، فراتر از رویکرد منطقه گرایی خواهد بود. با توجه به قابلیتها و توانمندیهای صنعتی و تجاری بسیار پایین کشورهای منطقه در مقایسه با کشورهای صنعتی اروپایی، ژاپن و کشورهای آسیای جنوب شرقی، امکان انتقال دانش و فناوری از کشورهای منطقه به ایران وجود ندارد بنابراین تجارت با کشورهای دورتر و پیشرفته تر لازم به نظر می‌رسد.

بررسیها و مطالعاتی که در مورد جهانی شدن انجام شده است نشان‌دهنده آن است که آزاد سازی تجاری هیچ منافاتی با رشد اقتصادی نداشته و حتی موتور رشد و توسعه اقتصادی را به حرکت درمی‌آورد. تجارت جهانی افزایش توان تولیدی و رشد سریع تر تولید ناخالص ملی را برای کشورهایی که به جامعه جهانی پیوسته‌اند، تقویت کرده است، درحالی که با پیوستن به موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای و ارتباطات نزدیک بین کشورهای منطقه، چنین دست‌آوردی را نخواهیم داشت. حتی آثار بازبودن اقتصاد موجب تقویت و سرعت بیشتر رشد اقتصادی شده است و کشورهای دارای اقتصاد وابسته و متمرکز سوسیالیستی سابق نتوانسته‌اند مانند کشورهای با اقتصاد باز به حد مطلوب توسعه اقتصادی دست پیدا کنند.

این تجربه در کشور ما نیز قابل اجرا است. رهاسازی اقتصاد از تعرفه‌ها، آزادسازی مبادلات بازرگانی و ارتباطات مستحکم و مداوم با کشورهای توسعه یافته در بلندمدت نه تنها به ضرر صنایع و منافع ملی نخواهد بود بلکه موجب تقویت و تسریع رشد اقتصادی و حل بسیاری از معضلات خواهد شد.

۲۹ اجلاس داووس محملی برای جهانی شدن ...

جهانی شدن تعدیلاتی در بازار کار ایجاد می‌کند. نیروهایی که از پویایی بالایی برخوردار هستند، قابلیت‌های بیشتری از خود نشان می‌دهند و نیروهای غیرماهر معمولاً در این فرایند از گردونه کنار گذاشته می‌شوند. بازار کار ایران پر از نیروهای غیرمتخصص است. مهم‌ترین روش و کارآمدترین زمینه برای حفظ نیروهای کارا و مصونیت بازار کار، ارتقای کیفی و تخصص‌گرایی در کشور است. با افزایش توانمندیهای تخصصی و مهارتی نیروهای انسانی، کشور قادر خواهد بود که از آثار سوء پیوستن به بازار جهانی در امان باشد و حتی با افزایش اشتغال منتفع شود.

از سوی دیگر موضوع اندازه دولت و حجیم بودن بخش عمومی در کشور ما همواره مورد بررسی قرار گرفته و حتی انتقاد برانگیز بوده است. گسترش بی‌رویه دولت در اقتصاد کشور و نفوذ قوانین و دستورالعمل‌های بخش دولتی به حدی است که آثار منفی آن بر بخش خصوصی کاملاً مشهود است. جهانی شدن موجب کم‌رنگ شدن نقش و دخالت مستقیم دولت‌ها در فعالیتهای اقتصادی می‌شود. امور مربوط به تصدی‌گری دولت، با جهانی شدن به حداقل ممکن می‌رسد و دولت فقط در امور حاکمیتی ایفای نقش خواهد کرد. پیامد این وضع ترقی‌کارایی نظام حاکمیتی و تخصیص بهینه منابع در بخش‌های مختلف اقتصاد خواهد بود. بنابراین دولت از هم‌اکنون می‌تواند با کاهش تصدی‌گری در اقتصاد زمینه‌های ترقی بخش خصوصی را پررنگ‌تر و اقتصاد را برای مشارکت بیشتر بخش‌های غیردولتی مهیا کند.

۶. نقش اجلاس داووس در جهانی شدن

سی و ششمین اجلاس جهانی داووس، بهمن ۱۳۸۴ با سخنرانی آنجلا مرکل^۱، صدر اعظم آلمان و با حضور ۲۳۰۰ نفر از رهبران تجاری و سیاسی دنیا برگزار شد. رویکرد اصلی این اجلاس "رویکرد خلاق"^۲ بود که از سوی صدر اعظم آلمان پیشنهاد شده بود. در این اجلاس ۲۴۳ میزگرد در شش روز برگزار شد که از این ۲۴۳ میزگرد، ۲۵ درصد در مورد چین و هند، ۳۰ درصد در مورد مباحث عمومی اقتصاد نظیر اشتغال، تورم، خلاقیت، بازاریابی، تبلیغات، آموزش، رقابت، حقوق بشر، تجارت، ریسک اقتصادی، قاعده‌مندی مصرف‌کنندگان، موضوع آب، فرهنگ جدید، مدیریت در سطح جهانی، نابرابری درآمدها و نظایر آن بود. حدود ۲۰ درصد از میزگردها هم راجع به مسائل اجتماعی و سیاسی مانند دموکراسی، جامعه مدنی، امنیت اجتماعی، ذهنیتهای جدید، ارزشها و تحولات منطقه‌ای در سطح جهان و سایر مطالب نظیر آن بود. حدود ۱۰ درصد از میزگردها به مسائل انرژی و بقیه میزگردها به مسائل متفرقه اختصاص داشت. موضوعات مطرح شده در این اجلاس را می‌توان به این ترتیب خلاصه کرد:

1. Angela Merkel
2. Creative Imperative

ظهور هند و چین: میزگردهای متعددی در همین رابطه با ورود به جزئیات این مبحث تشکیل و حتی مربوط به مسائل اجتماعی و منابع طبیعی و حفظ سطح نرخ رشد اقتصادی و ارتباط میان سیاست خارجی و رشد اقتصادی این کشورها مطرح شد. اشتغال: در میزگردهایی که در مورد اشتغال تشکیل شده بود به مسائل آموزشی، خلاقیت، مهارت، امنیت، تحرک، موضوع پیری در اروپا و ژاپن، دستمزدها و هزینه کار پرداختند. فضای جدید اقتصاد جهانی: این بخش موضوعات اصلی کسر بودجه آمریکا، قیمت نفت، تغییر هوا، جهت‌گیری مالکیت، مصرف و توزیع منابع طبیعی و تغییر بافت جمعیتی در مناطق مختلف دنیا و همین‌طور حمایت‌های دولتی از اقتصاد ملی را در بر می‌گرفت. آزادیهای اجتماعی: پیامدهای زندگی دیجیتال و جایگاه فن‌آوری در زندگی اجتماعی - سیاسی و پیامدها و مسئولیت‌های شهروند جهانی بودن از موضوعاتی بود که در این بخش مورد بررسی قرار گرفت.

مسائل منطقه‌ای: در این بخش موضوع هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفت. کوفی عنان^۱ دبیر کل سابق سازمان ملل و پل ولفوویتز^۲، رئیس بانک جهانی نیز در این اجلاس حضور داشتند. بیل گیتس^۳، گریک بارت^۴، میخایل دل^۵ و ریچارد برانسون^۶ به عنوان مدیران بزرگترین شرکت‌های جهانی به اجلاس داووس آمده بودند. دو هنرمند معروف، آنجلینا جولی^۷ ستاره سینما و سفیر پناهندگان در سازمان ملل و بونو^۸ ستاره موسیقی راک نیز در میان مشاهیر حاضر در اجلاس دیده می‌شدند. لازم به ذکر است که هیچ مقام ارشد ایرانی در این اجلاس حضور نداشت. برای اولین بار در این اجلاس یک هیئت فلسطینی نیز شرکت کرده بود. در حاشیه اجلاس مسائلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اهم این مسائل راجع به کسری اخیر تراز تجاری آمریکا^۹ و موضوع هسته‌ای ایران^{۱۰} بوده است.

۷. نقش ایران در اجلاس داووس

حضور سران و نخبگان کشورهای دنیا در نشست اقتصاد جهان به حدی است که عملکرد فعالانه هر نهاد یا دولتی در آن می‌تواند ثمرات فراوانی - حتی نه‌چندان آشکار و ملموس - برای آن نهاد یا

1. Kofee Anaan

2. Poll Volfovits

3. Bill Gates

4. Grick Bart

5. Michle Del

6. Richard Branson

7. Angelina Jully

8. Boono

۹. در این رابطه شایان ذکر است که به گفته لارنس سومز، رئیس دانشگاه هاروارد، کسری اخیر تراز تجاری آمریکا نقش مهمی در نبود تعادل اقتصاد جهانی دارد و خطری است که موجب ناپایداری توازن در مناسبات تجارت جهانی می‌شود.

۱۰. جک استرا، فرانک والتر، اشتاین مایر و فیلیپ دوست بلازی، وزیران امور خارجه انگلیس، آلمان و فرانسه در حاشیه اجلاس با یکدیگر ملاقات و درباره مسئله هسته‌ای ایران رایزنی کردند.

اجلاس داووس محملی برای جهانی شدن ... ۳۱

دولت داشته باشد. طی چندسال گذشته حضور ایران در این اجلاس پررنگ‌تر شده است و نمایندگان در سطوح مختلف در اجلاسهای سالیانه شرکت داشته‌اند. اما این حضور در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه بسیار ناچیز و کم‌رنگ ارزیابی می‌شود. در واقع کشور ما تاکنون بهره‌برداری لازم را از اجلاس داووس نکرده است. حتی در کشور گاه دیدگاههای منفی نسبت به این مجمع وجود داشته و بر حضور نداشتن در این اجلاس تأکید شده است، اما با شدت گرفتن تعامل اقتصاد کشور با اقتصاد جهان، دیدگاهها در این خصوص تغییر کرده است.

در کشور ما به علت بی‌توجهی به فرصتهای اقتصادی و فن‌آورانه جهان و بهره‌برداری از آنها به‌عنوان یک فرصت مناسب اقتصادی، تاکنون تعامل بسیار محدودی با جهان وجود داشته است و دیدگاه کشور ما نسبت به جهان، سیاسی بوده است. بیشتر افراد معتقدند که اقتصاد را نمی‌توان از سیاست جدا کرد. اگر این اعتقاد به‌صورت کلی درست نباشد دست کم می‌توان آن را در مورد بسیاری از اجلاسهایی که به نام اقتصاد برگزار می‌شوند درست دانست. وجهه این اجلاس گاه چنان سیاسی می‌شود که اقتصاد به دست فراموشی سپرده می‌شود. به قول دکتر شواب^۱ "بیشترین افرادی که در نشست اقتصاد جهانی در داووس سوئیس حضور پیدا می‌کنند برای به‌دست آوردن مشروعه‌های سیاسی است."

افراد شرکت‌کننده در این اجلاس بیشتر جنبه اقتصادی را در نظر گرفته‌اند و به دنبال آمار و ارقام دقیق و برنامه‌های اقتصادی کشورها بوده‌اند تا برنامه‌ریزی نوع رابطه خود با این کشورها. هنوز ماهیت و کارکرد اجلاس داووس مورد توجه قرار نگرفته و به همین دلیل نیز هدفگذاری و برنامه‌ریزی مشخصی در این زمینه وجود ندارد. کشور ما تاکنون تأثیرگذاری مطلوبی در مورد اجلاس داووس نداشته و نتوانسته است این اجلاس را تحت‌الشعاع قرار دهد.

به دلیل مورد توجه قرار گرفتن کشور ما از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان، علاقه بین‌المللی برای تعامل با ایران وجود دارد. بی‌دلیل نیست که برگزارکنندگان اجلاس داووس هر سال سعی دارند که هیئتی ایرانی در اجلاس حضور داشته باشد، در حالی که این اهتمام را نسبت به خیلی از کشورهای دیگر ندارند.

۸. دستاورد اجلاس داووس

۲۶ سال از فعالیت مجمع جهانی اقتصاد یا همان اجلاس داووس می‌گذرد. این محفل اقتصادی تاکنون سه دوره مختلف را پشت سر گذاشته است. دوره اول سالهای دهه ۱۹۸۰ بود که شرایط سیاسی و اقتصادی در این دهه مورد توجه اجلاس نبود اما در دوره دوم یعنی دهه ۱۹۹۰ این سازمان اقتصادی غیردولتی به تدریج از اعتبار بالایی در میان فعالان اقتصادی و سیاسی برخوردار شد و به

۱. مؤسس اجلاس داووس (Showab)

عنوان مرجعی برای طرح و بیان مشکلات اقتصاد جهانی، تبادل نظر صاحبان سرمایه، صنعت و فن آوری و ارائه طرح و برنامه برای مسائل مختلف اقتصاد جهانی مشهور شد. در این دوره رهبران اقتصادی و سیاسی کشورهای پیشرفته در جلسات مجمع، حضوری فعال داشتند اما در دوره سوم، به نظر می‌رسد این سازمان اهمیت و اعتبار گذشته خود را به دلیل کم‌رنگ شدن حضور فعالان اقتصادی کشورهای صنعتی و حضور فعال‌تر کشورهای در حال توسعه به سوی مسائل اقتصادی و اجتماعی از دست داده است.

با وجود این، مجمع جهانی اقتصاد همچنان به‌عنوان یک مرجع رسمی بین‌المللی در حوزه اقتصادی مطرح و همچنان بسیاری از نگاهها متوجه آن است. از دید بسیاری از کارشناسان و محافل اقتصادی داخلی این اجلاس به‌عنوان فرصتی برای تحرک و رسمیت دادن به تعامل ایران با اقتصاد جهانی قلمداد می‌شود.

۹. سیاستها و راهکارهای جهانی‌سازی اقتصاد ایران

در سالهای اخیر جمع‌بندی تمام سیاستهای اقتصادی اجرا شده در کشور به‌ویژه در شرایط موجود، نشان‌دهنده نقش محوری تولید بوده است، بنابراین معرفی مهم‌ترین سیاستها و راهکارهای اقتصادی کشور با توجه به محوریت تولید که بتواند موجب گسترش صادرات شود، در راهبرد الحاق ایران به جامعه جهانی، باید مورد بررسی قرار گیرد.

هدف محوریت تولید باید ایجاد بستر مناسب برای فرایند جهانی‌شدن، با توجه به شرایط جغرافیایی، منابع طبیعی و نیروی انسانی کشور باشد تا بتواند بهره کامل را از مزایای خود ببرد. به همین منظور برای بهره‌گیری مؤثر از مزایای نسبی، ضروری است مزایای رقابتی تقویت شوند و این موضوع فقط با رقابتی کردن اقتصاد و کاهش دخالت دولت در اقتصاد تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس سیاستها و راهکارهای پیشنهادی جهانی‌سازی اقتصاد ایران با محوریت تولید رقابتی کالا و خدمات به این ترتیب هستند:

الف- شناسایی مزیتها: امروزه تولید کالاها و خدمات با کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر بیان‌کننده مزیت مطلق یک کشور در تصاحب بازارهای جهانی است. بنابراین شناسایی تولید کالا و خدمات بر پایه مزایای اقتصادی کشور ضرورت دارد.

ب- طبقه‌بندی فرآیندهای جاری تولید: طبقه‌بندی فرآیندهای تولید، به تولید کالاها و خدمات دارای مزیت و نظایر آن می‌تواند در تصحیح شرایط تولید و الحاق به بازارهای جهانی بسیار ثمربخش باشد. این طبقه‌بندی‌ها در مواردی توصیه می‌شود:

- فرآیندهایی که در شرایط فعلی در تولید آنها مزیت نسبی وجود دارد،

اجلاس داووس محملی برای جهانی شدن ... ۳۳

- فرآیندهایی که با تغییر مختصر در شرایط فعلی توانایی دستیابی به مزیت نسبی در آنها به وجود خواهد آمد،

- فرآیندهای تولیدی که به هیچ وجه در شرایط فعلی امکان دستیابی به مزیت نسبی در آنها وجود ندارد.

شایان توجه است که طبقه‌بندی سوم با تغییر مداوم فرایند برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای بلندمدت، امکان دستیابی به فرآیندهای طبقات بالاتر (طبقات دارای مزیت نسبی) وجود دارد.

ج- بسط فرآیندهای نوظهور تولیدی: شناسایی استعدادهای کشور در تولید کالاها و خدمات می‌تواند از طریق انجام سرمایه‌گذاری جدید به محور توسعه فرآیندهای جدید تولید منتهی شود، همچنین باید به این نکته توجه داشت که کالاها و خدمات باید در فرآیندهای نوظهور مدنظر باشند به گونه‌ای که از مزیت نسبی و رقابت‌پذیری لازم برخوردار باشند.

د- وضع کنونی صنایع کشور: ویژگی بارز اقتصاد ایران، صنایع بزرگ، سرمایه‌بر و دولتی است که این مقوله با توجه به معضلاتی مانند نرخ بالای بیکاری، سطوح بالای هزینه تولید و بسیاری از موارد دیگر نیاز به سیاستگذاریهای جدید دارد. در صورت حذف موانع ورود به اقتصاد، توان رقابتی صنایع کوچک و صنایع بسیار تأثیرپذیر، افزایش و رقابت‌پذیری صنایع بالا خواهد رفت.

ه- فن‌آوری و تحقیق: پشتوانه و تغذیه‌کننده فرایند تولیدات و صنایع هر کشوری دستیابی به فن‌آوریها و تحقیقات علمی و صنعتی است. در فرآیندهای جهانی‌سازی، برتری نسبی با صنایع و تولیداتی خواهد بود که پاسخگوی نیازهای به‌روز اقشار جامعه باشند و به‌طور مداوم توان نوسازی کالاها و خدمات عرضه شده را داشته باشند. این فرآیندها بدون تحقیق و توسعه و فن‌آوریهای علمی و صنعتی محقق نمی‌شود. همچنین فن‌آوری و تحقیق بدون بهره‌مندی از نظام آموزشی و علمی گسترده، پویا و مبتکر به وجود نخواهد آمد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور تقویت بنیه فن-آوری علمی-صنعتی، دانشگاهها و مراکز علمی کشور، همپای مراکز صنعتی به کسب مبانی علمی بپردازند و از منابع علمی سایر کشورها نیز بهره‌مند باشند.

و- آماده‌سازی زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی: سرمایه و سرمایه‌گذاران خارجی مقولاتی هستند که سیاستهای مربوط به جذب آنها در کشور چندان محسوس نبوده است. امروزه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای توسعه‌یافته حجم بالایی از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهد و این امر زمینه‌های رقابتی صنایع ملی را تقویت کرده و در مقابل در بازارهای جهانی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم تأثیرگذار شناخته شده است. بنابراین در کشور ما نیاز به آن است که در گام اول زمینه‌های تولیدی مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی معرفی شوند، سپس راهکارهای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی اجرا شود.

ز- تعدیل اندازه دولت و خصوصی‌سازی اقتصادی: تعدیل اندازه دولت در تقابل با اندازه بخش خصوصی و تقویت زمینه‌های فعالیت بخش خصوصی در راستای آزادسازی و برتری‌یابی نسبی اقتصاد حائز اهمیت است. در کشور ما به دلیل کوچک بودن اندازه بخش خصوصی در برابر بخش دولتی، نیاز به بازنگری قوانین و مقررات دولتی احساس می‌شود. همچنین واگذاری بسیاری از انحصارات مولد در صنایع کشور به بخش خصوصی موجب افزایش توان رقابتی و تقویت ماهیت عملکردی آنها خواهد بود و به مرور زمینه‌های تقابل بخشهای واگذار شده با اقتصاد جهانی هموار می‌شود. سایر تحولاتی که در این ارتباط نیاز به آزادسازی و کاهش تصدی‌گریهای دولت دارد عبارت‌اند از: آزادسازی تجاری، مقررات‌زدایی نظام اداری، تغییر در روشهای پرداخت یارانه، حذف انحصارها و افزایش رقابت‌پذیری و آزادسازی بازار کار.

منابع

الف) فارسی

به‌کیش، محمدمهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران، نشر نی.
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۲)، *مجموعه مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد*.

ب) سایتها

www.donya-e-eqtesad.com
www.ebtekar.net
www.isna.com